

تعیین معیار زمانی برای مراحل رشد جنین

مسعود امامی

پژوهشگر و دانش آموخته حوزه علمیه قم

masoudimami@yahoo.com

چکیده

فقیهان در ثبوت دیه کامل برای جنین بعد از ولوج روح اتفاق نظر دارند، اما در مقدار دیه برای مراحل قبل از ولوج روح و تعداد این مراحل، اختلاف دارند. مشهور آنها به استناد قرآن کریم و روایات، پنج مرحله برای قبل از ولوج روح قرار دادند که عبارت است از نطفه، علقه، مضغه، عظام و تمامیت خلقت. آنها برای هر مرحله - به استناد روایات متعدد - دیه‌ای خاص تعیین کرده‌اند. در عین حال در بسیاری از روایات برای مراحل مختلف رشد جنین، معیار زمانی ارائه شده است که بسیاری از فقیهان به علت تعارض این روایات با یکدیگر از فتوا بر اساس آنها صرف نظر کرده و در فتاوی خود معیار زمانی تعیین نکرده‌اند. در این نوشتار با استمداد از دیدگاه ابن ادریس کوشش شده حتی المقدور میان همه روایات در این باره جمع گردد و در نهایت معیار زمانی روشنی برای مراحل رشد جنین و دیه هر مرحله تعیین گردد. بر پایه آنچه در این نوشتار به اثبات رسیده برای هر روز رشد جنین، یک هزارم دیه کامل (یک دینار) تا مرحله ولوج روح که در ۱۲۰ روزگی است ثابت می‌باشد. پس از ولوج روح، دیه کامل ثابت است. پس دیه جنین از یک دینار آغاز و تا هنگام ولوج روح که در چهار ماهگی است به ۱۱۹ دینار می‌رسد. پس از آن ۱۰۰۰ دینار خواهد بود.

واژگان کلیدی: نطفه، علقه، مضغه، ولوج روح، قانون مجازات اسلامی

در ماده ۷۱۶ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ - همچون ماده ۴۸۷ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۷۰ و ماده ۱۹۴ قانون دیات سال ۱۳۶۱ - برای مراحل مختلف رشد جنین، دیه تعیین شده است. این مراحل عبارت است از نطفه، علقه، مضغه، عظام، تمامیت خلقت و ولوج روح. در هر سه قانون مذکور برای این شش مرحله، معیار زمانی تعیین نشده است. همین امر موجب شده است که تشخیص مراحل مختلف رشد جنین برای محاکم و پزشکی قانونی دشوار گردد، زیرا عناوین مذکور اولاً قابل انطباق دقیق با دانش جنین شناسی در عصر حاضر نیست؛ ثانیاً رشد جنین تدریجی است و دقیقاً نمی‌توان میان خروج جنین از یک مرحله و ورود آن به مرحله دیگر را تمیز داد.

در این نوشتار کوشش شده با تکیه بر منابع فقهی اثبات گردد که ارائه معیار دقیق زمانی برای مراحل مختلف دیه جنین نه تنها ممکن است، بلکه شارع مقدس مصلحت فصل خصومت را بر مصلحت تعیین دقیق دیه بر اساس تحولات عینی در رشد جنین، ترجیح داده و برای تسهیل در ختم دعاوی، معیار دقیق زمانی برای این پدیده تکوینی قرار داده است. بر این اساس سزوار است قانون‌گذار نیز این ماده را اصلاح کند و به استناد منابع معتبر فقهی معیار زمانی برای مراحل رشد جنین قرار دهد.

در این نوشتار ابتداء گزارشی از مراحل رشد جنین در قرآن کریم، روایات و دانش جنین شناسی ارائه می‌شود. سپس ادله و فتاوی فقهی در دیه مراحل مختلف رشد جنین تبیین می‌گردد. در نهایت معیار دقیق زمانی برای همه مراحل رشد جنین به استناد ادله فقهی تعیین می‌گردد.

۱. مراحل رشد جنین در قرآن کریم

خداوند در قرآن مبدأ آفرینش انسان را خاک (روم، ۲۰)، گل (انعام، ۲؛ اعراف، ۱۲؛ ص، ۷۱ و ۷۶)، گل چسبنده (صافات، ۱۱)، گلی خشک از لجنی بد بو (حجر، ۲۸)، عصاره‌ای از گل (مومنون، ۱۲)، آب (فرقان، ۵۴)، آب جهنده (طارق، ۶)، آبی پست (مرسلات، ۲۰)، نطفه (نحل، ۴؛ نجم، ۴۶؛ عبس، ۱۹) و نطفه آمیخته (انسان، ۲) معرفی کرده است.

در برخی آیات علاوه بر مبدأ آفرینش انسان، چند مرحله از سیر شکل گیری انسان را نیز بیان کرده است، مانند خاک سپس نطفه (کهف، ۳۷؛ فاطر، ۱۱)، خاک سپس نطفه سپس علقه (غافر، ۶۷)، نطفه سپس علقه (قیامت، ۳۷)، خاک سپس نطفه سپس علقه سپس مضغه تمام در خلقت و مضغه ناتمام در خلقت (حج، ۴). خداوند در آیه ۶ تا ۸ سوره سجده روشن می‌سازد که آفرینش از گل مربوط به خلقت اولین انسان است و آفرینش از نطفه و مراحل پس از آن مربوط به خلقت تک انسانها و نسل انسان نخستین است. در این آیات پس از نطفه، به مرحله تمامیت و استواء در خلقت، دمیده شدن روح و آفرینش شنوایی، بینایی و قلب تصریح شده است.

در نهایت در آیات ۱۲ تا ۱۴ سوره مومنون علاوه بر مبدأ آفرینش اولین انسان از عصاره‌ای از گل، شش مرحله دیگر از آفرینش انسان بیان شده است. این مراحل دقیقاً مرحله‌ای هستند که در ماده ۷۱۶ قانون مجازات اسلامی سال ۹۲ و قوانین قبل از آن طی شش بند به عنوان مراحل مختلف دیه جنین ذکر شده‌اند: «وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَكِينٍ. ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ؛ و به یقین، انسان را از عصاره‌ای از گل آفریدیم. سپس او را نطفه‌ای در جایگاهی استوار قرار دادیم. آن گاه نطفه را به صورت علقه درآوردیم. پس آن علقه را مضغه گردانیدیم، و آن گاه مضغه را استخوان‌هایی ساختیم، بعد استخوان‌ها را با گوشتی پوشانیدیم، آنگاه آفرینشی دیگر پدید آوردیم. آفرین باد بر خدا که بهترین آفرینندگان است».

برخی پژوهشگران کوشش‌های قابل توجهی برای تطبیق مراحل رشد جنین در قرآن کریم با دستاوردهای جدید دانش جنین‌شناسی انجام داده و به نتایج ارزشمندی در راستای کشف معجزات علمی قرآن کریم دست یافته‌اند (حسنی، ۱۳۹۶: ص ۵۸ تا ۶۸؛ اسکندرلو، ۱۳۹۵: ش ۱۸، ص ۷۵ - ۹۰؛ آل رسول، ۱۳۸۹: ش ۴، ص ۹ - ۲۲؛ کامکار، ۱۳۸۹: ش ۲، ص ۱۳۹ - ۱۵۹؛ جهانیان، ۱۳۸۸: ش ۹، ص ۱۶۳ - ۱۵۹).

۲. مراحل رشد جنین در روایات

بیشتر روایات مربوط به مراحل رشد جنین در مقام بیان دیه جنین می‌باشند. بر اساس این روایات هر چه جنین رشد بیشتری می‌کند مقدار دیه آن بیشتر می‌شود. روایات دیه جنین در این باره را می‌توان به شش قسم تقسیم کرد:

۲،۱. قسم اول: شش مرحله (نطفه، علقه، مضغه، عظام، لحم، روح)

مراحل خلقت جنین در روایت معتبر ظریف از امیر المومنین علیه السلام و صحیح سلیمان بن صالح از امام صادق علیه السلام و صحیح (اردبیلی، ۱۴۰۳ ق: ج ۱۴، ص ۳۲۴؛ مجلسی، ۱۴۰۶ ق: ج ۱۰، ص ۴۲۰) یا ضعیف ابن مسکان از امام صادق علیه السلام و مرفوع شیخ مفید از امیر المومنین علیه السلام و روایت ضعیف از امام صادق علیه السلام درباره دیه میّت و روایت مرسل محمد بن صباح از امام صادق علیه السلام و روایت مرسل دعائم الاسلام از امام باقر علیه السلام (کلینی، ۱۳۶۵: ج ۷، ص ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۴۵، ۳۴۷ و ۳۴۸؛ مفید، ۱۴۱۳ ق: ج ۱، ص ۲۲۲؛ مغربی، ۱۳۸۵ ق: ج ۲، ص ۴۲۲)، شش مرحله ذکر شده و برای هر مرحله دیه‌ای خاص مقرر شده است. این مراحل و دیه آنها بدین قرار است: نطفه ۲۰ دینار، علقه ۴۰ دینار، مضغه ۶۰ دینار، عظام ۸۰ دینار، لحم ۱۰۰ دینار و ولوج روح اگر جنین پسر باشد ۱۰۰۰ دینار و اگر دختر باشد ۵۰۰ دینار. در برخی از این روایات مانند روایت ظریف و روایت ابن مسکان افزوده شده است که اگر مادر با جنین بمیرد و معلوم نشود که جنین پسر بوده یا دختر، باید نصف دیه پسر و نصف دیه دختر پرداخت شود.

این روایات با آیات ۱۲ تا ۱۴ سوره مومنون در تعیین شش مرحله برای رشد جنین هماهنگ هستند. دیات مقرر در ماده ۷۱۶ قانون مجازات اسلامی سال ۹۲ و قوانین پیش از آن مطابق این روایات است. در روایت سلیمان بن صالح به جای مرحله ولوج روح، مرحله استهلال (گریه بعد از تولد) ذکر شده است که چنانکه خواهد آمد کنایه از ولوج روح است. در روایت ابن مسکان به جای مرحله لحم، تمامیت جنین آمده است و در روایت شیخ مفید به جای مرحله لحم، کامل شدن صورت آمده است.

۲،۲. قسم دوم: چهار مرحله (نطفه، علقه، مضغه، عظام)

در روایت صحیح محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام و روایت ضعیفی از آن حضرت، چهار مرحله برای دیه تعیین شده است؛ نطفه ۲۰ دینار، علقه ۴۰ دینار، مضغه ۶۰ دینار و عظام ۱۰۰۰ دینار (دیه کامل) (کلینی، ۱۳۶۵: ج ۷، ص ۳۴۴ و ۳۴۵؛ أشعری، ۱۴۰۸ق: ص ۱۵۷). فقیهان، عظام در این روایات را حمل بر مرحله ولوج روح کرده‌اند (خویی، ۱۴۱۸ق: ج ۴۲، ص ۴۹۲؛ سبزواری، ۱۴۱۳ق: ج ۲۹، ص ۳۱۰).

۲,۳. قسم سوم: چهار مرحله (علقه، مضغه، عظام، روح)

در روایت صحیح ابائیل از امام صادق علیه السلام برای علقه ۴۰ دینار، مضغه ۶۰ دینار، عظم ۱۰۰ دینار و ولوج روح که در پنج ماهگی تعیین شده، دیه کامل قرار داده شده است. در این روایت برای فاصله میان علقه و مضغه و فاصله میان مضغه و عظام نیز نسبتی از دیه افزوده شده است (صدوق، ۱۴۱۳ق: ج ۴، ص ۱۴۴).

۲,۴. قسم چهارم: چهار مرحله (نطفه، علقه، مضغه، روح)

در روایت ضعیف یا صحیح (مجلسی، ۱۴۰۶ق: ص ۱۰، ص ۴۱۹) سعید بن مسیب از امام زین العابدین (ع) آمده که برای نطفه که مدت آن بعد از استقرار در رحم چهل روز است، ۲۰ دینار و برای علقه که مدت آن هشتاد روز است ۴۰ دینار و برای مضغه که مدت آن صد و بیست روز است ۱۰۰ دینار و برای پس از آن که روح در جنین دمیده شده، دیه کامل ثابت است (کلینی، ۱۳۶۵: ج ۷، ص ۳۴۷).

۲,۵. قسم پنجم: پنج مرحله (نطفه، علقه، مضغه، عظام، روح)

در روایت صحیح ابو جریر قمی از امام کاظم (ع) آمده که برای نطفه که مدت آن چهل روز است، ۴۰ دینار و برای علقه که مدت آن چهل روز دیگر است ۶۰ دینار و برای مضغه که مدت آن چهل روز دیگر است ۸۰ دینار و برای عظام ۱۰۰ دینار و برای ولوج روح دیه کامل ثابت است (طوسی، ۱۴۰۷ق: ص ۱۸۲).

۲,۶. قسم ششم: دو مرحله (قبل از روح، بعد از ولوج روح)

در روایت صحیح ابو عبیده از امام باقر (ع) آمده است که اگر جنین دارای استخوان، گوشت، چشم و گوش بود (کنایه از تمامیت جسمانی و ولوج روح)

(خویی، ۱۴۱۸ق: ج ۴۲، ص ۴۹۲) دیه کامل و اگر در حد علقه یا مضغه بود ۴۰ دینار ثابت است (کلینی، ۱۳۶۵: ج ۷، ص ۳۴۴).

روایات قسم اول مقدم بر سایر اقسام است، زیرا اولاً تعداد آنها بیشتر و دارای بیشترین روایات معتبر است؛ ثانیاً موافق مراحل شش گانه مذکور در آیات ۱۲ تا ۱۴ سوره مؤمنون است؛ ثالثاً تعارضی با بیشتر روایات دیگر ندارد و تنها اختلاف آنها در اجمال و تفصیل است؛ چنان که اختلاف آیات گوناگون قرآن کریم در بیان مراحل متعدد رشد جنین نیز به اجمال و تفصیل است. از این رو این قسم مبنای فتوای بیشتر فقیهان و در نهایت مبنای قانونگذاری در ماده ۷۱۶ قرار گرفته است.

۳. مراحل رشد جنین در علم جنین شناسی

جنین یا رویان با فرایند لقاح به وجود می آید. لقاح عبارت از جفت شدن اسپرم مرد با تخمک بالغ زن است. تخمک بالغ، سلول نسبتاً بزرگی است که مواد غذایی فراوان در آن وجود دارد و قطر آن حدود یک دهم میلی متر است و می توان آن را با چشم غیر مسلح دید. هر زنی دارای دو تخمدان است که مانند دو غده تخم مرغی شکل هستند که خارج از رحم و در دو طرف آن قرار گرفته اند و از طریق لوله فالوپ به رحم متصل هستند. تخمدان حاوی تخمک های نارس است که پس از رشد به تخمک بالغ تبدیل می شوند و توانایی لقاح را کسب می کنند.

تخمک گذاری برای یک زن سالم در میانه چرخه قاعدگی ماهانه او رخ می دهد؛ یعنی حدود چهارده روز پس از آغاز قاعدگی. پزشکان، آغاز آخرین قاعدگی را به عنوان آغاز زمان بندی بارداری محاسبه می کنند، در حالی که لقاح غالباً حدود دو هفته پس از این زمان واقع می شود.

تخمک گذاری عبارت است از آزاد شدن تخمک از تخمدانها. در هر قاعدگی اغلب یک تخمک بالغ از یک تخمدان آزاد می گردد و به سمت لوله های رحم حرکت می کند. این پدیده، تخمک گذاری نامیده می شود. اگر هیچ سلول اسپرم نتواند خود را به تخمک آزاد شده در لوله فالوپ برساند تا لقاح صورت گیرد، تخمک پس از مدتی توانایی خود را برای لقاح از دست می دهد. لقاح غالباً در لوله فالوپ و خارج از رحم

واقع می‌شود. پس از آن به مدت ۶ تا ۱۲ روز سلول لقاح یافته تکثیر می‌یابد و به تدریج به طرف رحم حرکت می‌کند و به دیواره رحم می‌چسبد که به آن لانه‌گزینی می‌گویند. برخی سلولهای لقاح یافته نیز به علل مختلف موفق به لانه‌گزینی نمی‌شوند و به همین علت از طیّ مراحل رشد باز می‌مانند و از بین می‌روند.

تکثیر سلولی یک هفته بعد از لانه‌گزینی، ادامه می‌یابد و جفت که وسیله تغذیه جنین است تشکیل شده و به دیواره رحم متصل می‌شود. چهار هفته بعد از تشکیل نطفه، لوله عصبی که در امتداد کمر نوزاد قرار دارد بسته می‌شود. قلب و سایر اندام‌ها نیز به تدریج شکل می‌گیرند و قلب شروع به تپیدن می‌کند.

جنین در اوایل رشد خود دارای دُمی کوتاه است و هیچ شباهتی به انسان ندارد. طی یک ماه پس از بارورشدن تخمک، خصوصیات ظاهری تمام اعضاء مختلف بدن جنین شروع به تکوین می‌کنند و در ۲ تا ۳ ماه بعدی، بخش عمده جزئیات اعضاء گوناگون پایه‌ریزی می‌شوند. پس از ۳ ماه، اعضای جنین از نظر ظاهری شبیه اندام‌های انسان می‌شوند، ولی همچنان بخش زیادی از تکامل سلولی هر عضو باقی می‌ماند که طی ۵ ماه باقی مانده تکمیل می‌شود، حتی در زمان تولد نیز ساختمان‌های خاصی، به خصوص دستگاه عصبی، کلیه‌ها و کبد، به‌طور کامل تکامل نیافته‌اند و پس از تولد کامل می‌گردند (سدلر، ۱۳۸۶؛ مور، ۱۳۸۴).

از اتمام ۴ ماهگی حرکات جنین توسط مادر احساس می‌شود (مور، ۱۳۸۴: ص ۱۷۲) و جنین در ۲۱ تا ۲۴ هفتگی بعضی صداها (مانند صدای قلب، روده و تنفس مادر و برخی صداها بیرون) را می‌شنود و در ۲۷ هفتگی چشم‌ها نسبت به نور واکنش نشان می‌دهند (سدلر، ۱۳۸۶: ص ۱۲۱).

۴. تبیین مراحل رشد جنین

در این بخش ابتدا کلمه جنین، سپس مراحل مختلف رشد جنین در قرآن، روایات و قانون به اجمال تبیین می‌گردد.

۴.۱. جنین

جنین کلمه‌ای با ریشه عربی است. ریشه آن در لغت عرب «ج ن ن» است که به معنای پوشیده و مستور شدن است. جنین نیز چون در رحم مادر پوشیده و مستور است به آن جنین گویند (فیومی، ۱۴۰۵ق: ج ۲، ص ۱۱۱؛ شهید ثانی، ۱۴۱۰ق: ج ۱۰، ص ۲۸۹). در فارسی به آن «رویانه» نیز گویند (دهخدا، ۱۳۷۲: ج ۸، ۱۰۹۴۲؛ معین، ۱۳۷۶: ج ۲، ص ۱۶۹۵). بر اساس مصوبه فرهنگستان لغت و ادب فارسی، رویانه عبارت است از انسان از چهارمین روز باروری تا پایان هشتمین هفته باروری (www.vajeyar.apll.ir).

جنین در لغت‌نامه‌های فارسی به «بچه در شکم مادر» (دهخدا، ۱۳۷۲: ج ۵، ص ۴۹۲۴) یا «فرزند جانوران زنده‌زا از هنگام شکل‌گیری اندام‌های اصلی بدن تا لحظه تولد» (انواری، ۱۳۸۱: ج ۳، ص ۲۲۰۷) تعریف شده است. تعریف دوم شامل مراحل نخستین در سلول لقاح یافته که هنوز اندام‌های اصلی شکل نگرفته است، نمی‌شود. همچنانکه در تعریف اول نیز صدق عنوان «بچه» بر مراحل قبل از تکوین اندام‌های اصلی مورد تردید است.

دکتر محمد معین، جنین را بر اساس دانش پزشکی اینگونه تعریف کرده است: «موجودی که پس از لقاح تخمک به وسیله اسپرماتوزوئید و پس از تقسیمات اولی سلولی تخم، حاصل می‌شود، ولی هنوز دوران رشد خود را در داخل پوسته تخمک یا رحم مادر می‌گذارند» (معین، ۱۳۷۶: ج ۱، ص ۱۲۴۷).

مقصود از جنین در ماده ۷۱۶ قانون مجازات اسلامی - به قرینه وضع دیه برای همه مراحل رشد - سلول لقاح یافته از هنگام لقاح تا هنگام تولد است.

۴،۲. نطفه

اولین مرحله از حیات جنین در ماده ۷۱۶ که برای از بین بردن آن دو صدم دیه کامل تعیین شده است عبارت از نطفه‌ای است که در رحم زن مستقر شده است. نطفه در لغت فارسی و عربی به معنای آب مرد (منی) است (دهخدا، ۱۳۷۲: ج ۱۳، ص ۱۹۹۴۳؛ جوهری، ۱۴۰۷ق: ج ۴، ص ۱۴۳۴). نطفه در قرآن کریم دوازده بار به کار رفته است (مؤمنون، ۱۲ و ۱۴؛ قیامه، ۳۷؛ نحل، ۴؛ کهف، ۳۷؛ حج، ۵؛ فاطر، ۱۱؛ یس،

۷۷؛ غافر، ۶۷؛ نجم، ۴۶؛ انسان، ۲؛ عبس، ۱۹). برخی مفسران نطفه در قرآن کریم را به معنای منی مرد می‌دانند؛ اما به نظر بیشتر مفسران، نطفه در قرآن کریم به معنای موجود پدید آمده از آب مرد و آب زن است. (جمعی نویسندگان، ۱۴۱۲ق: ج ۱۶، ص ۱۱۷) مقصود قانون‌گذار از نطفه در این ماده نیز موجود پدید آمده از ترکیب اسپرم مرد با تخمک زن است.

در بند ۳ گذشت که غالباً لقاح (ترکیب نطفه مرد با تخمک زن) در لوله‌های رحم (فالوپ) واقع می‌شود و حدود شش روز طول می‌کشد تا سلول لقاح یافته از لوله‌های فالوپ حرکت کند و در رحم جای گیرد (لانه‌گزینی). ممکن است تصور شود که مقصود از استقرار نطفه در رحم در بند الف از ماده ۷۱۶، حیات نطفه بعد از لانه‌گزینی است. در حالی که مقصود قانون‌گذار - با توجه به تفسیر قانون بر اساس منابع فقهی - حیات نطفه بعد از لقاح است؛ هر چند سلول لقاح یافته هنوز وارد رحم نشده باشد و در آن استقرار نیافته و به مرحله لانه‌گزینی نرسیده باشد. همچنانکه مقصود صرف ورود منی مرد به رحم - بدون لقاح با تخمک زن - نیست.

تعبیر استقرار نطفه در رحم در ماده ۷۱۶، برگرفته از متون فقهی است. به نظر می‌رسد فقهای گذشته به علت عدم پیشرفت دانش جنین‌شناسی تصور روشنی از پدیده لقاح، ترکیب اسپرم با تخمک، محل تخمک و لوله‌های رحم نداشتند و مقصودشان از استقرار نطفه در رحم، موجود پدید آمده بعد از عمل لقاح بوده است، نه صرف ورود نطفه به رحم بدون لقاح. از این رو، قید «استقرار» را افزوده‌اند تا از منی که وارد رحم می‌شود و شرایط رشد آن مهیا نیست، متمایز گردد.

۴.۳. علقه

مرحله دوم از حیات جنین - همچنان‌که در قرآن، روایات و منابع فقهی آمده است - علقه نام دارد. علقه در لغت عرب به معنای خون غلیظ و سفت شده است که هنوز خشک نشده است (خلیل، ۱۴۱۰ق: ج ۱، ص ۱۶۱؛ جوهری، ۱۴۰۷ق: ج ۴، ص ۱۵۲۹).

۴,۴. مُضْغَه

مرحله سوم از حیات جنین تبدیل جنین از علقه به مُضْغَه یا توده گوشت است. ریشه مُضْغَه در لغت عرب، «م ض غ» به معنای جویدن است و مضغه مقداری از گوشت است که برای جویدن جدا می‌شود. (ابن فارس، ۱۴۰۴ق: ج ۵، ص ۳۳۰؛ راغب، ۱۴۱۲ق: ص ۷۷۰).

۴,۵. عِظَام

مرحله چهارم از حیات جنین، تبدیل جنین از مضغه به حالتی است که به صورت استخوان درآمده است. عِظَام جمع عَظْم به معنای استخوان است (زبیدی، ۱۴۱۴ق: ج ۱۷، ص ۴۸۸). مقصود قانون‌گذار این است که در این مرحله جنین دارای استخوان است ولی گوشتی بر استخوان‌ها روئیده نشده است.

۴,۶. تَمَامِیت خَلَقَت

جنین در مرحله پنجم دارای گوشت می‌شود و بر استخوان‌های آن گوشت می‌روید، ولی روح در آن دمیده نشده است.

۴,۷. وَلُوج رُوح

جنین در ششمین و آخرین مرحله از حیات خود دارای روح انسانی می‌شود. پیش از این جنین فقط دارای حیات نباتی است و پس از دمیده شدن روح دارای حیات انسانی می‌گردد. به همین جهت نیز دیه او به مقدار دیه یک انسان است. پس اگر پسر باشد دیه‌اش به مقدار دیه کامل و اگر دختر باشد نصف دیه کامل و اگر پسر یا دختر بودن آن معلوم نباشد، سه چهارم دیه کامل برای آن ثابت است.

در پنج آیه از قرآن کریم به صراحت سخن از نفخ روح به میان آمده است. دو مورد درباره حضرت آدم علیه السلام است (حجر، ۲۹؛ ص، ۷۲) که با الغای خصوصیت، در سایر انسان‌ها نیز صادق است. دو مورد دیگر درباره حضرت عیسی علیه السلام است (انبیاء، ۹۱؛ تحریم، ۱۲). مورد پنجم اگرچه این احتمال می‌رود که آن هم درباره حضرت آدم علیه السلام باشد، ولی ظاهراً درباره مطلق انسان است

(سجده، ۷ - ۹)؛ در نهایت در آیات ۱۲ تا ۱۴ سوره مؤمنون که در بند ۱ ذکر شد، مراحل مختلف آفرینش جنین از نطفه، علقه، مضغه، عظام و لحم ذکر شده و در پایان آمده است که پس از آن در او آفرینشی متفاوت پدید می‌آوریم. با بهره‌گیری از آیات مربوط به خلقت انسان و نیز روایات وارد شده درباره آیه فوق، به این نتیجه می‌رسیم که مقصود خداوند از آفرینشی متفاوت در این آیه، همان نفخ و ولوج روح در جنین انسان است.

در سه آیه از این آیات مرحله نفخ روح بعد از مرحله تمامیت خلقت (تسویه) قرار داده شده است (سجده، ۸؛ حجر، ۲۹؛ ص، ۷۲). پس قرآن کریم میان تسویه به معنای تمامیت خلقت جسمانی با نفخ روح فرق نهاده است. همچنین از دلالت ضمنی مفهوم نفخ (دمیدن) و بخصوص آیه ۱۴ سوره مؤمنون که از مرحله نفخ روح به خلق آخر یاد کرده است، ظاهر می‌شود که این مرحله از تکوین انسان اگر نگوییم غیرمادی است، لااقل هم سنخ دیگر مراحل خلقت مادی و جسمانی انسان نیست و مرتبه‌ای برتر است که سبب حیات انسانی برای آن می‌گردد.

پس از دیدگاه قرآن، روح و نحوه تعلق (نفخ و یا ولوج) آن به بدن پدیده‌ای غیرمادی و یا لااقل متفاوت با سایر پدیده‌های جسمانی و مادی است. این سخن ضرورتاً به معنای نفی تأثیر و ارتباط این پدیده (ولوج روح) یا تقارن آن با برخی آثار مادی و جسمانی در جنین انسان نیست. به عبارت دیگر، این احتمال وجود دارد که هر چند روح و ولوج آن در بدن از سنخ سایر پدیده‌های جسمانی نیست، ولی ممکن است به جهت ارتباط وثیق روح با بدن، منشأ تحولاتی در جسم شود که از آن طریق بتوان زمان حدوث آن را تشخیص داد.

توجه به این نکته لازم است که از موارد استعمال واژه روح در قرآن به دست می‌آید که قرآن کریم، این کلمه را بر زندگی نباتی اطلاق نکرده است و در این گونه موارد از کلمه حیات بهره برده است (حدید، ۱۷؛ ق، ۱۱). پس اگرچه جنین از اولین مراحل تکوین که نطفه‌ای بیش نیست، دارای حیات نباتی و آثار آن یعنی رشد و تغذیه است، ولی تنها بعد از تمامیت خلقت جسمانی، صاحب روح می‌گردد. آیت الله

جواد تبریزی می‌گوید: مراد از حیات در جنین که موجب ثبوت دیه کامل است، ولوج روح می‌باشد، نه حیات نباتی که از اول موجود است (گنجینه استفتائات قضائی، ۱۳۹۴: سوال ۵۴۴۹).

روح در روایات استعمالات مختلف دارد (امامی، ۱۳۸۵). به روایات مربوط به ولوج روح در ضمن اخبار مربوط به دیه جنین در بند ۲ اشاره شد. در این روایات علاوه بر تعبیر ولوج روح (قَبْلَ أَنْ تَلْجَهُ الرُّوحُ. فَإِذَا وَلَجَتْهَا الرُّوحُ) تعبیری مانند خلق آخر (فَإِذَا نَشَأَ فِيهِ خَلْقٌ آخَرٌ وَهُوَ الرُّوحُ. ثُمَّ أَنْشَأَهُ خَلْقًا آخَرَ)، انشاء روح (فَإِذَا أَنْشِئَ فِيهِ الرُّوحُ. فَإِنْ نَشَأَ فِيهِ الرُّوحُ) نفخ روح (قَبْلَ أَنْ يُنْفَخَ فِيهِ الرُّوحُ. قَدْ نُفِخَ فِيهِ رُوحُ الْعَقْلِ). نیز به کار رفته است.

از بررسی این روایات دست می‌آید که اولاً ولوج روح قبل از تولد و در دورانی که جنین در رحم است، واقع می‌شود؛ ثانیاً ولوج روح، بعد از کامل شدن خلقت جسمانی جنین و شکل گرفتن تمامی اعضا و جوارح او تحقق می‌یابد. این حقیقت از آیات قرآن نیز که نفخ روح را بعد از تسویه قرار داده است، به روشنی استفاده می‌شود؛ ثالثاً عدم تفکیک میان روح حیوانی و روح انسانی در روایات دیه جنین و احاله معنای روح به فهم عرفی، اقتضا می‌کند که از ولوج روح، معنای عرفی حیات و زنده شدن جنین فهمیده شود و این معنا مفهومی از حیات است که مشترک میان حیات حیوانی و انسانی است. به عبارت دیگر، در بیشتر روایات مربوط به دیه جنین بدون تعیین زمانی خاص برای پدیده ولوج روح، تنها به بیان توقف حکم دیه کامل بر این پدیده اکتفا شده است و این گویای این است که پدیده ولوج روح از نظر عرفی و طبیعی برای مخاطبان قابل تشخیص و شناسایی است و نمی‌توان آن را پدیده‌ای غیبی و ماورای طبیعی دانست که فاقد آثار طبیعی است و زمان تحقق آن غیر قابل تشخیص است. پس با توجه به این که از آیات قرآن کریم و روایات فراوان - از جمله برخی از روایات دیه جنین - به دست آمد که نفخ و ولوج روح ذاتاً پدیده‌ای غیرمادی است، ضرورتاً به این نتیجه می‌رسیم که این پدیده غیرمادی دارای آثار ظاهری و مادی است که قابل شناسایی برای عموم انسان‌ها است.

بهترین تبیین برای چنین واقعیتی که ذاتاً غیرطبیعی و اثرأ طبیعی است - با توجه به عدم تفکیک میان روح انسانی و روح حیوانی در روایات - این است که این پدیده همزمان با ولوج روح حیوانی در جنین پدید می‌آید و در نتیجه از طریق آثار حیات حیوانی - همچون حرکت ارادی و دریافت پیام‌های حسی از طریق حواسی مانند شنوایی یا بینایی که از عوارض ذاتی حیوان هستند - قابل تشخیص خواهد بود.

فیلسوفان و متکلمان در تعریف گیاه گفته‌اند: «جسمی که تغذیه می‌کند و رشد و نمو دارد» و در تعریف حیوان نیز گفته‌اند: «جسمی که تغذیه می‌کند، رشد و نمو دارد، حسّاس است و حرکت ارادی دارد؛ الحیوانُ جسمٌ نام حسّاسٌ متحرکٌ بالارادة» (مجلسی، ۱۴۱۰ق: ج ۵۸، ص ۱۰۷؛ سبزواری، بی‌تا: ج ۱، ص ۷۴؛ تفتازانی، ۱۴۰۱ق: ج ۲، ص ۳۵؛ صدرالمألهین، ۱۹۸۱م: ج ۲، ص ۴۴۱؛ قیصری، ۱۳۷۵: ص ۵۰۶) تعاریف فوق از گیاه و حیوان با فهم عرفی از گیاه و حیوان و تفاوت آن دو با یکدیگر مطابقت دارد.

بیشتر فقیهان بخصوص فقهای متأخر و معاصر در مقام فتوای بر دیه جنین، موضوع حکم به ثبوت دیه کامل را ولوج روح قرار داده‌اند و متعرض تعیین زمان خاصی برای آن نشده‌اند. برخی از معاصران تصریح کرده‌اند که گذشت زمانی خاص، دلیل بر ولوج روح نیست (عبدالکریم موسوی اردبیلی، جعفر سبحانی، گنجینه استفتائات قضائی، ۱۳۹۴: سوال ۷۷۸۲). مقتضای این قول این است که پدیده ولوج روح برای مکلفان قابل شناسایی است و نیاز به تعیین زمان خاصی ندارد؛ چنانکه در بیشتر روایات مربوط به دیه ولوج روح نیز زمان خاصی برای آن تعیین نشده و حکم دیه بر موضوع ولوج روح قرار گرفته است. این شناسایی از طریق حرکت ارادی جنین و دریافت حسی او ممکن است. دریافت حسی جنین نیز با عکس العمل او در مقابل محرک‌های حسی قابل شناسایی است. دریافت‌های دو حس بینایی و شنوایی قدر متیقن در ثبوت ولوج روح است و به نظر می‌رسد دریافت حس بساوایی (لامسه) دلالت روشنی بر ولوج روح ندارد، زیرا اولاً این حس بعضاً در حیات نباتی نیز وجود دارد و اختصاصی به حیات حیوانی و انسانی ندارد؛ ثانیاً گویا این حس از ماههای

اولیه که ولوج روح تحقق نیافته است در جنین وجود داشته باشد؛ ثالثاً در آیه ۸ سوره سجده فقط از پدید آمدن دو حس شنوایی و بینایی بعد از نفخ روح یاد شده است.

احراز ولوج روح متوقف بر وجود قرائین و شواهدی است که برای مکلفان علم یا اطمینان به تحقق آن را در پی داشته باشد و گذشت چهارماه یا بیشتر از دوران بارداری و حتی حرکت جنین در رحم، مادامی که چنین علم و اطمینانی را به ارمغان نیاورد، پدیده ولوج روح را ثابت نمی‌کند. به نظر بسیاری از فقیهان مانند علامه حلی، فاضل هندی، صاحب جواهر و امام خمینی حرکت ارادی جنین نشانه‌ای بر ولوج روح است (علامه حلی، ۱۴۱۳ق: ج ۳، ص ۶۹۴؛ فاضل هندی، ۱۴۱۶ق: ج ۱۱، ص ۴۵۵؛ عاملی، بی‌تا: ج ۱۰، ص ۵۰۵؛ نجفی، ۱۴۰۴ق: ج ۴۳، ص ۳۶۵؛ خمینی، ۱۴۰۸ق: ج ۲، ص ۵۹۸). در عین حال هر حرکتی برای جنین در رحم مادر گویای وجود روح در او نیست، بلکه گاهی حرکت جنین ناشی از واکنش‌های غیر ارادی (رفلکس) است. محقق حلی، علامه حلی و فقهای دیگر تصریح کرده‌اند که حرکت جنین اگر ناشی از باد (ریح) و اختلاج و مانند آن باشد در این صورت حکایت از ولوج روح و حیات حیوانی نمی‌کند (محقق حلی، ۱۴۰۸ق: ج ۴، ص ۲۶۳؛ علامه حلی، ۱۴۲۰ق: ج ۵، ص ۶۲۵؛ فاضل هندی، ۱۴۱۶ق: ج ۱۱، ص ۴۵۶؛ نجفی، ۱۴۰۴ق: ج ۴۳، ص ۳۶۵).

بر اساس این قول، روایات متعدد شیعه و سنی که به صراحت یا به اشاره، چهارماهگی را زمان ولوج روح معرفی کرده است، تنها درصدد بیان موارد عادی و غالب است و نمی‌خواهد برای تشخیص پدیده ولوج روح که دارای آثار طبیعی و قابل شناسایی است، زمانی تعبّدی و غیرقابل تغییر تشریع کند.

۵. فتاویٰ فقهی در مقادیر دیه برای مراحل رشد جنین

فقا بعد از اتفاق نظر در ثبوت دیه کامل برای جنین بعد از ولوج روح، در مقدار دیه مراحل قبل از ولوج روح اختلاف دارند. فتاویٰ آنها بدین قرار است:

قول اول: نطفه ۲۰، علقه ۴۰، مضغه ۶۰، عظام ۸۰، لحم ۱۰۰ و روح ۱۰۰۰ دینار

مشهور فقیهان مانند شیخ مفید و شیخ طوسی در برخی آثارش به استناد قسم اول از روایات مذکور در بند ۲، این قول را برگزیده‌اند (مفید، ۱۴۱۰ ق، ص ۷۶۲؛ طوسی، ۱۴۰۰ ق: ص ۷۷۸؛ ابن ادریس، ۱۴۱۰ ق: ج ۳، ص ۴۱۶؛ نجفی، ۱۴۰۴ ق: ج ۴۳، ص ۳۶۷؛ خمینی، ۱۴۰۸ ق: ج ۲، ص ۵۹۷؛ خویی، ۱۴۱۸ ق: ج ۴۲، ص ۴۹۰). مخالفی برای این قول میان متأخران و معاصران دیده نمی‌شود. برخی مانند شیخ مفید و سید مرتضی ادعای اجماع بر این قول کرده‌اند (مفید، ۱۴۱۳ ق: ص ۴۸؛ مرتضی، ۱۴۱۵ ق: ص ۵۳۲). شیخ صدوق استهلال را به عنوان مرحله ششم ذکر کرده است (صدوق، ۱۴۱۵ ق: ص ۵۰۹). در تفسیر قمی نیز شش مرحله برای جنین ذکر شده که آخرین آنها استهلال است (قمی، ۱۴۰۴ ق: ج ۲، ص ۹۰). استهلال به معنای فریاد و گریه نوزاد هنگام تولد است که نشانه حیات او است (جوهری، ۱۴۰۷ ق: ج ۵، ص ۱۸۵۲). مستند فتوای شیخ صدوق روایت صحیح سلیمان بن صالح است که در بند ۲ به آن اشاره شد. در این روایت ششمین مرحله از مراحل رشد جنین، استهلال ذکر شده است. از پایان کلام شیخ صدوق که پنج ماهگی را زمان ولوج روح ذکر کرده است فهمیده می‌شود که مقصود او از استهلال همان ولوج روح است که استهلال می‌تواند اماره بر آن باشد (صدوق، ۱۴۱۵ ق: ص ۵۱۰). برخی مانند محقق اردبیلی و صاحب جواهر یادآور شده‌اند که استهلال در این روایت کنایه از ولوج روح است (اردبیلی، ۱۴۰۳ ق: ج ۱۴، ص ۳۲۵؛ نجفی، ۱۴۰۴ ق: ج ۴۳، ص ۳۶۵؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۲ ق: ص ۲۹۰).

برخی مانند شیخ صدوق، شیخ طوسی و آیت الله خوئی فتوا داده‌اند که میان هر یک از مراحل نطفه و علقه و مضغه به همان نسبت دیه ثابت است (صدوق، ۱۴۱۵ ق: ص ۵۰۹؛ طوسی، ۱۴۰۰ ق: ص ۷۷۸؛ ابن براج، ۱۴۰۶ ق: ج ۲، ص ۵۰۹؛ خویی، ۱۴۱۸ ق: ج ۴۲، ص ۴۹۸؛ سبزواری، ۱۴۱۳ ق: ج ۲۹، ص ۳۱۱). مستند این فتوا، روایت صحیح ابا شبل است که در بند ۲ به آن اشاره شد. همچنین روایت ضعیف یونس شیبانی نیز بر این فتوا دلالت دارد (صدوق، ۱۴۱۳ ق: ج ۴، ص ۱۴۳).

ابن ادریس تفسیر خاصی از نسبت سنجی میان مراحل مذکور ارائه داده است. به نظر او دیه جنین تا ۲۰ روز، ۲۰ دینار است و پس از آن به ازاء هر روز یک دینار

افزوده می‌شود تا جنین ۴۰ روزه شود. در این هنگام دیه علقه که ۴۰ دینار است ثابت است. پس از این نیز به ازاء هر روز یک دینار افزوده می‌شود تا جنین ۶۰ روزه می‌شود و دیه مضغه که ۶۰ دینار است ثابت می‌شود. این روال تا هنگام ۱۰۰ روز و ۱۰۰ دینار ادامه دارد (ابن ادریس، ۱۴۱۰ق: ج ۳، ص ۴۱۶). بسیاری مانند محقق حلی و علامه حلی دیدگاه ابن ادریس را بدون دلیل دانسته و مخالف روایاتی می‌دانند که میان هر مرحله از نطفه، علقه و مضغه ۴۰ روز تعیین شده است (محقق حلی، ۱۴۰۸ق: ج ۴، ص ۲۶۴؛ علامه حلی، ۱۴۱۲ق: ج ۹، ص ۴۲۳؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳ق: ج ۱۵، ص ۴۷۶؛ نجفی، ۱۴۰۴ق: ج ۴۳، ص ۳۷۲؛ خوئی، ۱۴۱۸ق: ج ۴۲، ص ۴۹۸). در بند ۶ خواهد آمد که تحلیل ابن ادریس از مراحل مختلف رشد جنین نه تنها مخالف روایات مذکور نیست، بلکه بهترین وجه برای جمع میان روایات مختلف در این مسئله است.

بیشتر فقیهان فتوا به نسبت سنجی برای فاصله میان هر مرحله با مرحله دیگر نداده‌اند و برخی تصریح کرده‌اند که دیه فقط بر اساس مقادیر تعیین شده برای هر مرحله است و میان هر مرحله با مرحله دیگر - علاوه بر دیه مقدر - نسبتی از دیه ثابت نیست (خمینی، ۱۴۰۸ق: ج ۲، ص ۵۹۸). ماده ۷۱۶ بر اساس این قول تدوین شده است.

قول دوم: غُرّه (برده) برای برخی مراحل قبل از ولوج روح

ابن ابی عقیل، ابن جنید و شیخ طوسی در برخی آثارش، دیه همه یا بعضی از مراحل جنین قبل از ولوج روح را غُرّه قرار داده‌اند (طوسی، ۱۳۸۷ق: ج ۷، ۱۹۵، علامه حلی، ۱۴۱۲ق: ج ۹، ص ۴۱۹). غُرّه برده زن یا مرد است (فیومی، ۱۴۰۵ق: ج ۲، ص ۴۴۵). مستند این فتاوا برخی روایات است (طوسی، ۱۳۹۰ق: ج ۴، ص ۳۰۰). اهل سنت نیز بالاتفاق دیه جنین را غُرّه می‌دانند (جمعی نویسندگان، ۱۴۱۲ق: ج ۲، ص ۵۹). بر این اساس اختلاف فقهای شیعه در دیه جنین قبل از ولوج روح است و در ثبوت دیه کامل برای جنین بعد از ولوج روح اختلافی نیست (نجفی، ۱۴۰۴ق: ج ۴۳، ص ۳۶۴).

جمعی از فقیهان مانند محقق حلی و علامه حلی در برخی آثارش تنها به نقل این قول و قول نخست پرداخته و از داوری پرهیز کرده‌اند (محقق حلی، ۱۴۰۸ق: ج ۴، ص ۲۶۴؛ علامه حلی، ۱۴۱۰ق: ج ۲، ص ۲۳۳؛ شهید اول، ۱۳۷۹: ج ۴، ص ۵۰۱؛ ابن فهد، ۱۴۰۷ق: ج ۵، ص ۳۸۰). بیشتر فقیهان مانند علامه حلی در کتاب مختلف قول اول را ترجیح داده و به نقد قول دوم پرداخته‌اند. مهم‌ترین دلیل آنها برای ترجیح قول اول، کثرت و اعتبار روایات مورد استناد برای این قول است (علامه حلی، ۱۴۱۲ق: ج ۹، ص ۴۲۰؛ نجفی، ۱۴۰۴ق: ج ۴۳، ص ۳۶۰). آنها روایات قول دوم را بر اموری از جمله تقیه حمل کرده‌اند (طوسی، ۱۳۸۷ق: ج ۴، ص ۳۰۰؛ خویی، ۱۴۱۸ق: ج ۴۲، ص: ۴۹۳). علامه حلی این روایات را حمل بر این می‌کند که قیمت غُرّه صد دینار و مقصود این روایات تعیین دیه برای مرحله قبل از ولوج روح است (علامه حلی، ۱۴۲۰ق: ج ۵، ص ۶۲۴). برخی نیز در ردّ قول دوم گفته‌اند: قرار دادن یک دیه برای چند مرحله از مراحل مختلف رشد جنین، با اعتبار عقلی سازگار نیست (خوانساری، ۱۴۰۵ق: ج ۶، ص ۲۸۰).

۶. تعیین معیار زمانی برای مراحل رشد جنین

برای همه یا برخی مراحل مختلف رشد جنین در روایات فراوان، معیار زمانی ارائه شده است (محقق حلی، ۱۴۰۸ق: ج ۳، ص ۴۵۹). برخی از این روایات مربوط به تعیین مقدار دیه برای مراحل مختلف رشد جنین است و برخی مربوط نیست. از میان روایات مربوط به مقدار دیه جنین که در بند ۲ ذکر شد، در روایت صحیح محمد بن مسلم، ۴۰ روز برای نطفه و ۴۰ روز برای علقه، در روایت صحیح ابو جریر قمی و روایت ضعیف سعید بن مسیب، ۴۰ روز برای نطفه، ۴۰ روز برای علقه و ۴۰ روز برای مضغه، در روایت صحیح اباشبل، پنج ماه برای ولوج روح، تعیین شده است.

روایاتی که مربوط به دیه جنین نیست بدین قرار است: در روایت صحیح حسین بن خالد از امام رضا علیه السلام در باره شرب خمر، ۴۰ روز برای نطفه، ۴۰ روز برای علقه و ۴۰ روز برای مضغه (برقی، ۱۳۷۱ق: ج ۲، ص ۳۲۹)، در روایت موثق حسن بن جهم و دو روایت صحیح از زراره و مرسل محمد بن اسماعیل برای نطفه

۴۰ روز، برای علقه ۴۰ روز و برای مضغه ۴۰ روز و چهار ماه برای ولوج روح تعیین شده است (کلینی، ۱۳۶۵: ج ۶، ص ۱۳ - ۱۶). در روایت ضعیف ابوبصیر زمان برانگیخته شدن دو فرشته بر جنین که کنایه از ولوج روح است، چهار ماهگی تعیین شده است (کلینی، ۱۳۶۵: ج ۱، ص ۳۸۵). در روایت ضعیف دیلمی برای نطفه ۴۰ روز و برای ولوج روح چهار ماه تعیین شده است (کلینی، ۱۳۶۵: ج ۳، ص ۱۶۱). در روایت بزنی برای نطفه ۳۰ روز، برای علقه ۳۰ روز و برای مضغه ۳۰ روز و برای خلقت تمام و ناتمام ۳۰ روز و برای ولوج روح چهار ماهگی تعیین شده است (حمیری، ۱۴۱۳ق: ص ۳۵۲).

در روایت معتبر نزد اهل سنت از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای نطفه ۴۰ روز، برای علقه ۴۰ روز و برای مضغه ۴۰ روز تعیین شده و پس از آن خبر از برانگیخته شدن فرشته‌ای داده شده که کنایه از ولوج روح است (بخاری، ۱۴۰۱ق: ج ۴، ص ۱۰۳، مسلم، بی تا: ج ۸، ص ۴۴). صحت این روایت نزد اهل سنت - با توجه به نقل آن در صحیح بخاری و صحیح مسلم - مورد اتفاق است (شرینی، ۱۳۷۷ق: ج ۳، ص ۳۳۸؛ ألبانی، ۱۴۰۵ق: ج ۷، ص ۲۱۶) و براساس آن، فقیهان اهل سنت، زمان ولوج روح را چهارماهگی می‌دانند (صالحی، ۱۴۱۴ق: ج ۱۲، ص ۹۹). این روایت، اگرچه در منابع روایی شیعه دیده نمی‌شود، اما برخی از فقیهان در آثار خود به آن اشاره و استدلال کرده‌اند (شهید اول، ۱۴۱۹ق: ج ۱، ص ۳۱۵؛ محقق کرکی، ۱۴۰۸ق: ج ۱، ص ۴۰۶، شهید ثانی، ۱۴۱۳ق: ج ۹، ص ۱۹۵؛ بحرانی، ۱۴۰۵ق: ج ۲۵، ص ۳۶۵، نجفی، ۱۴۰۴ق: ج ۴، ص ۱۱۴؛ انصاری، ۱۴۱۵ق: ج ۲، ص ۳۱۷).

بر اساس آنچه گذشت در سیزده روایت برای همه یا برخی از مراحل رشد جنین، معیار زمانی تعیین شده است. بعضی از معیارهای زمانی تعیین شده در این روایات با یکدیگر همخوانی ندارد. در بسیاری از روایات چهارماهگی زمان ولوج روح تعیین شده است، در حالی که جمع مقادیر تعیین شده برای مراحل رشد قبل از ولوج روح، بیش از چهار ماه می‌شود؛ مثلاً در بیشتر روایات برای هر یک از مراحل نطفه، علقه و مضغه، چهل روز تعیین شده که جمع آنها صد و بیست روز یعنی چهار ماه می‌گردد،

حال آنکه قبل از چهار ماه که زمان ولوج روح است - علاوه بر مراحل نطفه، علقه و مضغه - باید دو مرحله عظام و لحم نیز سپری شود.

با توجه به آنچه گذشت فقها در تعیین معیار زمانی برای مراحل رشد جنین قبل از ولوج روح اختلاف دارند. اقوال فقیهان در این باره بدین قرار است:

قول اول: عدم تعیین زمان

بیشتر فقهاء بر اساس زمان‌های تعیین شده در روایات فتوا نداده و زمانی برای مراحل رشد جنین تعیین نکرده‌اند. به نظر آنها ملاک، تحقق عناوین هر مرحله در خارج است و در شرع، زمان معینی برای هر مرحله تعیین نشده است و اگر شک در تحقق هر مرحله شود، مقتضای اصل استصحاب، عدم تحقق آن مرحله و اکتفا به قدر متیقن در پرداخت دیه است. آیت الله سید محسن حکیم می‌گوید: در شرع تحدید زمانی برای این مراحل قرار داده نشده و ملاک تحقق عناوین هر مرحله در خارج است (حکیم، ۱۳۹۶ق: ج ۲، ص ۳۸۷).

هر چند چهارماهگی در بسیاری از روایات به عنوان زمان ولوج روح معرفی شده است، اما به نظر گروهی از فقهاء چهار ماهگی ملازمه با ولوج روح ندارد، بلکه مظنه زمان ولوج است. از این رو ممکن است ولوج روح اندکی قبل یا بعد از آن تحقق یابد. علامه مجلسی میان ولوج روح و چهار ماهگی تلازمی نمی‌بیند (مجلسی، ۱۴۱۰ق: ج ۷۹، ص ۱۱). او از اطباء نقل می‌کند که نفخ روح گاهی در چهلم سوم (از ۸۰ روز تا ۱۲۰ روز) و گاهی بعد از آن است (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج ۲۱، ص ۲۳).

شهید اول چهار ماهگی را مظنه حلول حیات می‌داند (شهید اول، ۱۴۱۹ق: ج ۱، ص ۳۱۵). فاضل هندی تجربه را دلیل بر حلول حیات در چهار ماهگی قرار داده است (فاضل هندی، ۱۴۱۶ق: ج ۲، ص ۲۰۴). شیخ حر عاملی بعضی از اختلافات میان روایات را در تکوین و زمان مراحل مختلف خلقت جنین، به اختلاف جنین‌های گوناگون با یکدیگر حمل کرده است (حر عاملی، ۱۴۱۴ق: ج ۷، ص ۱۴۲). نتیجه این سخن تفاوت زمان ولوج روح در جنین‌های مختلف است. صاحب جواهر می‌گوید: از ظاهر فتاوی فقها فهمیده می‌شود که گذشت چهار ماه ضرورتاً موجب حکم به

حیات جنین و ثبوت دیه کامل نیست (نجفی، ۱۴۰۴ق: ج ۴۳، ص ۳۶۵). از فقهای معاصر نیز حضرات آیات منتظری، فاضل لنکرانی و مکارم شیرازی چهار ماهگی را مظنه زمان ولوج روح می‌دانند (منتظری، ۱۴۲۹ق: ص ۱۰۷؛ فاضل لنکرانی، بی‌تا: ص ۱۲۳؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۷ق: ص ۹۴).

از فتاوی برخی از فقهای معاصر مانند آیت الله خویی در تعیین چهار ماهگی برای زمان غسل جنین مرده به دست می‌آید که تقدم و تأخر ولوج روح بر چهار ماهگی ممکن است (خویی، ۱۴۱۰ق: ج ۱، ص ۹۱؛ تبریزی، ۱۴۲۶ق: ج ۱، ص ۹۵؛ صافی گلپایگانی، ۱۴۱۶ق: ج ۱، ص ۵۱؛ وحید خراسانی، ۱۴۲۸ق: ص ۱۰۸). برخی از فقهاء مانند صاحب مدارک، صاحب جواهر و محقق همدانی و برخی دیگر تصریح می‌کنند که میان چهار ماهگی و تمامیت خلقت تلازم نیست و چهار ماهگی مظنه تمامیت خلقت است (عاملی، ۱۴۱۴ق: ج ۲، ص ۷۶؛ نجفی، ۱۴۰۴ق: ج ۴، ص ۱۱۲؛ همدانی، ۱۴۱۶ق: ج ۵، ص ۱۵۴؛ سیستانی، ۱۴۱۷ق: ج ۱، ص ۱۱۶). لازمه این سخن این است که میان ولوج روح و چهارماهگی نیز ملازمه نباشد.

یکی از پژوهشگران با اشکال در اسناد برخی از روایات که در آنها به تعیین زمان برای مراحل رشد جنین پرداخته شده است و نیز بیان تعارض برخی از آنها با یکدیگر و با دستاوردهای دانش جنین شناسی به این نتیجه رسیده است که همه روایات درباره تعیین زمان برای مراحل رشد جنین از حجیت ساقط می‌باشند و در مورد آنها «احتمال تقیه و حتی جعل و دس در میان نسخ کتب حدیثی شیعه، بعید نیست» او احتمال داده است که به دلیل وجود باورهای مشابه در آموزه‌های جنین شناسی یهود این اخبار از اسرائیلیات باشد (حسنی، ۱۳۹۶: ص ۸۷).

قول دوم: مراحل قبل از لحم ۴۰ روز، مرحله لحم ۲۰ روز و ولوج روح در شش ماهگی

برخی مانند شیخ مفید و ابن براج چهل روز برای هر یک از مراحل نطفه، علقه، مضغه و عظام و بیست روز برای لحم، و در نهایت زمان ششم ماهگی را زمان ولوج

روح می‌دانند (مفید، ۱۴۱۰ ق، ص ۵۳۹، ابن براج، ۱۴۰۶ق: ج ۲، ص ۳۰۴؛ هذلی، ۱۴۰۵ق: ص ۶۰۲).

قول سوم: هر مرحله ۲۰ روز

ابن ادريس برای هر مرحله ۲۰ روز تعیین کرده است. بر این اساس تعداد روزها با مقدار ديه یکسان خواهد بود. پس نطفه تا ۲۰ روز، علقه تا ۴۰ روز، مضغه تا ۶۰ روز، عظام تا ۸۰ روز و لحم تا ۱۰۰ روز است (ابن ادريس، ۱۴۱۰ق: ج ۳، ص ۴۱۶).

قول چهارم: هر يك از نطفه، علقه و مضغه ۴۰ روز و ولوج روح بعد از پنج ماهگی

آيت الله خويی و برخی شاگردان ایشان به استناد روایاتی مانند موثق حسن بن جهم و دو صحیح زراره برای هر يك از مراحل نطفه، علقه و مضغه ۴۰ روز قرار داده که پایان چهارماهگی است. ایشان این قول را به مشهور فقهاء نسبت داده است (خویی، ۱۴۱۸ق: ج ۴۲، ص ۴۹۶؛ فیاض، بی تا: ج ۳، ص ۱۸۶؛ روحانی، ۱۴۱۲ق: ج ۲۶، ص ۳۵۳). در حالی که مشهور فقیهان - همانطور که گذشت - مراحل رشد جنین را تحدید زمانی نکرده‌اند. آيت الله خويی و نیز شیخ صدوق به استناد روایت ابا شبل، ولوج روح را بعد از پایان پنج ماهگی می‌دانند (صدوق، ۱۴۱۵ق: ص ۵۱۰؛ خویی، ۱۴۱۸ق: ج ۴۲، ص ۵۰۰). پس به نظر ایشان دو مرحله عظام و لحم که خلقت جسمانی جنین در آنها به تمامیت می‌رسد در طول یک ماه (ماه پنجم) طی می‌شود.

شیخ کلینی روایت أباشبل از امام صادق (ع) را که در بند ۲ به آن اشاره شد، از صالح بن عقبه از أباشبل که در وثاقت آن اختلاف است، نقل کرده است (خویی، ۱۴۱۳ق: ج ۱۰، ص ۸۵)؛ اما صدوق آن را از محمد بن اسماعیل بن بزيع از أباشبل نقل می‌کند و به همین جهت سند روایت بنابر نقل صدوق، صحیح است.

این روایت را علی بن ابراهیم در تفسیر خود از پدرش و او از سلیمان بن خالد که هر دو ثقه‌اند، نقل کرده است، با این تفاوت که در پایان آن به جای پنج ماه (خمسۀ أشهر)، چهار ماه (أربعة أشهر) آمده است (قمی، ۱۴۰۴ق: ج ۲، ص ۹۰). احتمال اشتباه در نقل صدوق و کلینی با توجه به موافقت نقل علی بن ابراهیم با بسیاری از روایات که چهار ماهگی را زمان ولوج روح قرار داده‌اند، وجود دارد. شهید اول، روایت کلینی

و صدوق را قرینه بر این می‌داند که زمان چهارماهگی برای ولوج روح که در روایات دیگر آمده است، زمان قطعی این پدیده نیست، بلکه مظنه ولوج روح است (شهید اول، ۱۴۱۹ق: ج ۱، ص ۳۱۵).

می‌توان تعارض این روایت را که زمان ولوج روح را پنج ماهگی قرار داده است با روایات و فتاوی مشهور که زمان آن را چهارماهگی می‌داند، این گونه رفع کرد که مقصود روایت اباشبل این است که هرگاه جنین وارد ماه پنجم شود، حیات در او دمیده می‌شود و این همان زمان پایان چهارماهگی است. صاحب جواهر می‌گوید: شاید مراد این است که در پنج ماهگی به سبب حرکت ارادی جنین که متمایز از سایر حرکات است، یقین به ولوج روح حاصل می‌شود (نجفی، ۱۴۰۴ق: ج ۴۳، ص ۳۶۶). به هر صورت قول به ولوج روح در پنج ماهگی به جهت اختلاف در اعتبار سند، اختلاف در نقل و قلت مستند روایی، نسبت به قول به ولوج روح در چهار ماهگی مرجوح است.

قول پنجم: ولوج روح در چهار ماهگی

شهید ثانی و علامه مجلسی این قول را به مشهور فقیهان نسبت داده‌اند (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق: ج ۱، ص ۸۳؛ مجلسی، ۱۴۱۰ق: ج ۵۷، ص ۳۵۵). در این میان محقق کرکی، صاحب جواهر و برخی فقهای معاصر به صراحت این قول را برگزیده‌اند (کرکی، ۱۴۰۸ق: ج ۱، ص ۴۰۶؛ نجفی، ۱۴۰۴ق: ج ۵، ص ۳۴۵؛ قطیفی، ۱۴۲۲ق: ج ۳، ص ۴۱۵؛ تبریزی، ۱۴۲۷ق: ج ۵، ص ۳۲۸؛ فیاض، ۱۴۲۶ق: ص ۷۴۵؛ محسنی، ۱۴۲۴ق: ج ۱، ص ۲۵). مستند این قول روایات متعددی است که در بند ۲ نقل شد. موثق حسن بن جهم، دو روایت صحیح زراره و مرسل محمد بن اسماعیل، ضعیف ابو بصیر و ضعیف دیلمی. همچنین سه روایت مربوط به دیه جنین که عبارت است از صحیح محمد بن مسلم، ضعیف سعید بن مسیب و صحیح ابی جریر قمی و نیز روایت اهل سنت از پیامبر اکرم (ص) دلالت بر ولوج روح در چهار ماهگی دارند.

شیخ انصاری بعد از نقل اظهار نظرهای اطباء و زنان در مورد ولوج روح قبل چهار ماهگی بر این نکته تاکید می‌کند که چون مستند این قول روایات است این اظهار نظرها خللی به این قول وارد نمی‌کند (انصاری، ۱۴۱۵ق: ج ۴، ص ۴۲۱).

مستندات روایی برای فتوای وجوب غسل میت برای جنین مرده بعد از چهار ماهگی نیز می‌تواند مویدی برای این قول باشد. این فتوا مورد اتفاق فقیهان شیعه است (نجفی، ۱۴۰۴ق: ج ۴، ص ۱۱۰؛ انصاری، ۱۴۲۹ق: ج ۴، ص ۲۸۲). مستند این فتوا، روایاتی است که برخی وجوب غسل جنین را برای چهار ماهگی قرار داده است و برخی دیگر بعد از تمامیت خلقت (حر عاملی، ۱۴۱۴ق: ج ۲، ص ۵۰۱). برخی از فقهاء مانند نویسنده فقه الرضا، شیخ صدوق، علامه حلی، شهید اول، محقق کرکی، شیخ بهایی و صاحب حدائق، این دو دسته از روایات را مفسر هم قرار داده و چهار ماهگی را زمان تمامیت خلقت می‌دانند (فقه الرضا، ۱۴۰ق: ص ۱۷۵؛ صدوق، ۱۴۱۳ق: ج ۱، ص ۱۵۲؛ علامه حلی، ۱۴۱۲ق: ج ۷، ص ۱۷۶؛ شهید اول، ۱۴۱۹ق: ج ۱، ص ۴۱۵؛ کرکی، ۱۴۰۸ق: ج ۱، ص ۴۰۶؛ بحرانی، ۱۴۰۵ق: ج ۳، ص ۴۰۸؛ نجفی، ۱۴۰۴ق: ج ۵، ص ۳۴۵). فقهای که چهار ماهگی را زمان تمامیت خلقت می‌دانند، قطعاً ولوج روح را بعد از چهار ماهگی می‌دانند، زیرا ولوج روح بعد از تمامیت خلقت است.

نتیجه

وجود چهارده روایت برای تحدید زمانی همه یا برخی از مراحل رشد جنین که در میان آنها چندین روایت معتبر وجود دارد گویای این است که معصومان علیهم السلام برای تعیین دیه جنین در مراحل مختلف رشد، فقط به مفاهیم کلی برگرفته از قرآن کریم بسنده نکرده‌اند، بلکه کوشیده‌اند که با ارائه معیار زمانی برای این مراحل، تشخیص مقدار دیه در جنایت بر جنین را برای مکلفان آسان، روشن و عینی نمایند. ادعای یکی از پژوهشگران بر جعلی و نامعتبر بودن همه این روایات به دلیل تعارض بدوی برخی از آنها با یکدیگر و با دانش جنین شناسی و هماهنگی با آرای یهودیان، مدعایی ناسازگار با دانش حدیث شناسی در فقه شیعه است.

قانون‌گذار نیز می‌بایست همین شیوه را در پیش می‌گرفت و از اکتفاء به مفاهیم نامتعین علقه، مضغه، عظام، گوشت و دمیده شدن روح پرهیز می‌کرد یا در کنار آنها، معیار زمانی نیز ارائه می‌کرد.

لازمه ارائه معیاری عینی و زمانی برای مراحل رشد جنین، تسامح در تحقق عناوینی است که قرآن کریم برای مراحل رشد بیان کرده و ترجیح مصلحت وجود معیار زمانی بر تصلّب در تعیین دقیق این مفاهیم در مصادیق است. رشد جنین در رحم تدریجی است و در یک مرحله خاص و زمان معین از مرحله‌ای به مرحله دیگر وارد نمی‌شود. به علاوه این رشد ممکن است در همه جنین‌ها یکسان نباشد. بر این اساس برای تعیین معیار زمانی برای مراحل مختلف رشد جنین، چاره‌ای جز تعیین معیاری غالبی و تقریبی وجود ندارد. تردیدی نیست که معصومان علیهم السلام نیز با همین نگاه، معیار زمانی ارائه داده‌اند.

با توجه به این نکته و با استناد به آنچه گذشت می‌توان به این نتایج رسید:

۱. ده روایت دلالت بر ولوج روح در چهار ماهگی دارد. از این رو، قول به ولوج روح در چهار ماهگی بر اقوال دیگر رجحان دارد. این قول با قول اول که عدم تعیین زمان برای مراحل مختلف رشد است و مشهور فقیهان آن را برگزیده‌اند قابل جمع است، زیرا اولاً چهار ماه در روایات می‌تواند اماره قانونی برای زمان ولوج روح باشد؛ یعنی اصل بر این است که ولوج روح در چهار ماهگی تحقق می‌یابد، مگر خلاف آن ثابت شود. پس احتمال تحقق ولوج روح قبل از آن وجود دارد، ولی باید اثبات شود؛ همچنانکه احتمال عدم ولوج روح پس از چهار ماه نیز وجود دارد، ولی این احتمال نیز نیازمند اثبات است.

بر این اساس قول فقهای که چهار ماهگی را مظنه پدیده ولوج روح می‌دانند، درست است؛ همچنانکه قول کسانی که حرکت ارادی و دریافت حسی را به عنوان امارات اثبات ولوج روح ذکر کرده‌اند، نادرست نیست، زیرا بر اساس این امارات می‌توان ولوج روح را قبل از چهار ماهگی، یا عدم ولوج روح را بعد از چهار ماهگی اثبات کرد.

دلیل بر این مدعا این است که برای پدیده تکوینی ولوج روح مثل سایر پدیده‌های تکوینی در مراحل مختلف رشد انسان در رحم و پس از تولد نمی‌توان زمان خاص و دقیقی را تعیین کرد. زمان تحقق اینگونه پدیده‌های تکوینی بسته به اوضاع و شرایط جنین و مادر، تغذیه، نژاد، ژن، آب و هوا و امور دیگر، متغیر است. پس هیچیک از مراحل نطفه، علقه، مضغه، عظام، لحم و ولوج روح در جنین دارای زمان خاص، دقیق و همگانی نیست. همچنانکه زمان رویش دندان‌های شیری، و ریزش آنها، بلوغ، سفید شدن مو و سایر مراحل حیات انسان در یک زمان خاص و همگانی واقع نمی‌شود. در عین حال شارع مصلحت ارائه معیار عینی در حل مخاصمات را بر مصلحت تحقق تکوینی بعضی از این مراحل ترجیح داده و به جهت سهولت در دادرسی، برای برخی از این پدیده‌های تکوینی که موضوع حکم شرعی هستند، اماره قانونی سن را قرار داده است، مانند نه سالگی برای بلوغ دختر و پانزده سالگی برای بلوغ پسر؛ هر چند اثبات بلوغ قبل از این سن به استناد ادله ممکن است.

ضرورت جعل اماره قانونی برای جنین که در شکم مادر پنهان است و تحولات تکوینی او به روشنی قابل شناسایی نیست، بیش از جعل اماره برای تحولات تکوینی انسان بعد از تولد است. از این رو در روایات متعدد که پیش از این نقل شد برای مراحل دیگر رشد مانند نطفه، علقه و مضغه نیز زمان دقیق تعیین شده است. خلاف این امارات نیز با دلیل قابل اثبات است.

به علاوه چهار ماهگی به استناد شواهد و قرائن تجربی و علمی مظنه ولوج روح است. برخی پژوهشگران نیز با توجه به قرائن و شواهد دانش جنین شناسی، چهارماهگی را هنگام ولوج روح دانسته‌اند (جهانپان، ۱۳۸۸: ص ۱۶۳ - ۱۷۰؛ کامکار، ۱۳۸۹: ص ۱۳۹ - ۱۵۹؛ امامی، ۱۳۸۵). از این رو، چهار ماهگی بهترین زمان برای تعیین سنی به عنوان اماره قانونی برای ولوج روح می‌باشد.

بر این اساس قانون‌گذار می‌تواند چهار ماه نخست دوران بارداری را با توجه به دانش جنین شناسی به پنج دوره زمانی تقسیم کند که بیشترین هماهنگی را با مفاهیم

نطفه، علقه، مضغه، عظام و لحم دارد و برای هر دوره مطابق این دسته از روایات دیه تعیین نماید.

۲. بر پایه آنچه گذشت این نتایج به استناد سه دسته از روایات معتبر به دست آمد:
الف. در بند ۵ گذشت که قول اول در تعیین شش مرحله برای دیه جنین به دلیل استناد به روایات متعدد و معتبر بر اقوال دیگر رجحان دارد.
- ب. روایات معتبر و متعددی دلالت بر این دارد که میان هر یک از مراحل نطفه، علقه و مضغه چهل روز فاصله است.
- ج. روایات معتبر و متعددی دلالت بر این دارد که ولوج روح در چهار ماهگی واقع می‌شود.

جمع میان این سه دسته از روایات در نگاه نخست، دشوار، بلکه ناممکن به نظر می‌رسد، زیرا جای دادن شش مرحله در چهار ماه، به گونه‌ای که میان هر مرحله - یا لااقل میان سه مرحله نخست - چهل روز فاصله باشد، امری ناممکن است به نظر می‌رسد بیشتر فقیهان موفق به جمع میان این روایات نشده‌اند. از این رو برخی مانند شیخ مفید و آیت الله خویی از دسته سوم روایات دست برداشته و شیخ مفید، ششم ماهگی را زمان ولوج روح و آیت الله خویی، پنج ماهگی را زمان آن تعیین کرده است؛ در حالی که روایات چهار ماهگی به علت اعتبار و کثرت، غیر قابل طرد است. بیشتر فقیهان نیز به دسته دوم و بسیاری به دسته سوم روایات بی‌اعتنا بوده و در فتاوی خود هیچ معیار زمانی برای طیّ مراحل شش گانه ارائه نکرده‌اند.

با توجه به تفسیری که برخی فقیهان مانند فاضل هندی از قول ابن ادریس (ابن ادریس، ۱۴۱۰ق: ج ۳، ص ۴۱۶)^۱ در نسبت‌سنجی میان دیه مراحل ششگانه رشد جنین

۱. «الجنین الولد ما دام فی البطن، و أول ما یكون نطفة، و فیها بعد وضعها فی الرحم الی عشرين یوما، عشرون دینارا، ثم بعد العشرين یوما، لکل یوم دینار الی أربعین یوما، أربعون دینارا، و هی دیه العلقه، فهذا معنی قولهم و فیما بینهما بحساب ذلک، ثم یصیر مضغه، و فیها ستون دینارا، و فیما بین ذلک بحسابه. ثم یصیر عظاما، و فیه ثمانون دینارا و فیما بین ذلک بحسابه ثم یصیر مکسوا علیه اللحم، خلقا سویا شق له العینان، و الأذنان و الأنف قبل ان تلجه الروح، و فیه عندنا مائه دینار، سواء کان ذکرا أو أنثی، علی ما قدمناه، و فیما بین ذلک بحسابه».

ارائه داده و آن را مخالف دسته دوم روایات ندانسته‌اند، می‌توان به جمع قابل قبولی میان این سه دسته از روایات دست یافت و هیچ‌یک از آنها را کنار نگذاشت.

همانطور که در بند ۵ گذشت، فقیهانی مانند محقق حلی و علامه حلی بر قول ابن ادریس در نسبت‌سنجی میان مراحل مختلف رشد جنین خرده گرفته‌اند که لازمه آن این است که میان مراحل رشد جنین بیست روز فاصله باشد، در حالی که روایات دسته دوم صراحت در این دارند که میان این مراحل ۴۰ روز فاصله است.

فاضل هندی این اشکال را وارد نمی‌داند. به نظر او نسبت سنجی میان مراحل شش گانه، مخالف دسته دوم از روایات نیست. او روایاتی را که در آنها میان هر یک از مراحل نطفه، علقه و مضغه ۴۰ روز قرار داده شده است بر اساس قول ابن ادریس اینگونه تفسیر می‌کند که ۴۰ روز، روند تحول هر مرحله است که ۲۰ روز آن با مرحله دیگر تداخل دارد. به عبارت دیگر، تحول هر مرحله به مرحله دیگر، دفعی نیست، بلکه تدریجی است. مرحله نطفه از روز نخست بعد از لقاح آغاز می‌شود و تا روز بیستم ادامه می‌یابد. از روز بیستم، نطفه به تدریج تبدیل به علقه می‌شود. پس جنین از روز بیستم تا روز چهارم، موجودی میان نطفه و علقه است. روز چهارم دیگر نطفه نیست، بلکه علقه است. پس جنین چهل روز نطفه بوده که بیست روز آن با مرحله علقه مشترک بوده است. از روز چهارم تا روز شصتم، علقه به تدریج تبدیل به مضغه می‌شود. پس جنین چهل روز علقه بوده است که بیست روز نخست آن با نطفه مشترک بوده و بیست روز دوم آن با مضغه. همینطور مضغه بیست روز طول می‌کشد تا کاملاً به مرحله عظام تبدیل شود. پس مرحله مضغه نیز چهل روز طول کشیده است که بیست روز نخست آن با مرحله علقه مشترک بوده و بیست روز دوم آن با مرحله عظام. همینطور تا مرحله لحم که در روز صدم واقع می‌شود (فاضل هندی، ۱۴۱۶ق: ج ۱۱، ص ۴۶۲).^۱

۱. «قیل فی النهایه: و فیما بین کل مرتبه بحسابه فقیل فی السرائر: معناه بأن فی کل یوم زیاده دینار فی جمیع المراتب، فإن النطفه تمکث عشرين يوماً ثمّ تصیر علقه فی عشرين يوماً آخری، فابتدأ تحولها إلى العلقه من الیوم الحادی والعشرين و کذا بین العلقه و المضغه، و کذا بین المضغه و العظم، و کذا بین العظم و الکمال. فإذا مکث

صاحب مفتاح الکرامه و صاحب ریاض نیز دیدگاه فاضل هندی را می‌پذیرند و صاحب جواهر آن را محتمل دانسته است (عاملی، بی‌تا: ج ۱۰، ص ۵۱۱؛ طباطبایی، ۱۴۱۸ق: ج ۱۶، ص ۵۴۷؛ نجفی، ۱۴۰۴ق: ج ۴۳، ص ۳۷۱). شاید به توان گفت که ابن ادریس همین گونه جمع میان روایات کرده و فتوای او در نسبت سنجی میان مراحل شش گانه که با مخالفت مشهور فقیهان مواجه شده است، ناظر به همین جمع بوده است.

بر این اساس، فرایند تحول هر مرحله چهل روز بوده و روایات دسته دوم طرد نشده است. از سوی دیگر، ولوج روح در چهار ماهگی قرار می‌گیرد و بدین سان روایات دسته سوم نیز طرد نمی‌گردد. همچنین شش مرحله در طول این چهار ماه جای می‌گیرد و روایات دسته اول نیز طرد نمی‌شود. بر این اساس قول ابن ادریس بر سایر اقوال رجحان دارد؛ زیرا اولاً جمع میان همه روایات است و هیچ دسته از روایات در آن، کنار گذاشته نمی‌شود. البته برخی روایات مانند موثق حسن بن جهم و مرسل محمد بن اسماعیل ظهور در این دارد که مقدار چهل روز برای هر یک از سه مرحله نطفه، علقه و مضغه تداخل در یکدیگر ندارند و در طول هم قرار دارند و مجموع آنها صد و بیست روز است که مصادف با چهار ماهگی و زمان ولوج روح ولوج است.

ثانیاً در این قول، معیار روشن زمانی برای تشخیص مراحل مختلف جنین ارائه شده است. بر اساس این قول، دیه جنین تا چهل روزگی، ۲۰ دینار؛ از چهل روز تا شصت روزگی، ۴۰ دینار؛ از شصت روزگی تا هشتاد روزگی، ۶۰ دینار؛ از هشتاد

النطفه أحداً و عشرين يوماً كان فيها أحد و عشرون ديناراً، و إذا مكثت اثنين و عشرين كان فيها اثنان و عشرون، و إذا مكثت عشرة أيام بعد عشرين كان فيها ثلاثون، و على هذا القياس. و عبارة السرائر صريحة فيما ذكرناه، فإنها كذا: أول ما يكون نطفه و فيها بعد وضعها في الرحم إلى عشرين يوماً عشرون ديناراً، ثم بعد العشرين يوماً لكل يوم دينار إلى أربعين يوماً أربعون ديناراً و هي دية العلقه، فهذا معنى قولهم: و فيما بينهما بحسب ذلك انتهت. فهي يوافق صحيح ابن مسلم المتقدم وغيره، كخبري سعيد بن المسيب و أبي جرير القمي: في أن بين كل مرتبتين أربعين يوماً. فما في الشرائع و نكت النهاية و التحرير و المختلف: من مخالفته الروايات، لا وجه له. نعم لا نعرف دليلاً على أن الأخذ في المرتبة المتأخرة في اليوم الحادي و العشرين، و لا على قسمه الدنانير على الأيام».

روزگی تا صد روزگی، ۸۰ دینار؛ از صد روزگی تا صد و بیست روزگی، ۱۰۰ دینار و از صد بیست روزگی تا هنگام تولد ۱۰۰۰ دینار خواهد بود.

بر پایه آنچه گذشت، قول ابن ادریس به نسبت سنجی میان مراحل مختلف جنین نیز علمی و معقول خواهد بود، زیرا جنین به تدریج از مرحله قبل فاصله می‌گیرد و به مرحله بعد نزدیک می‌شود، پس معقول است که دیه آن نیز به تدریج به مرحله بعد نزدیک شود. بر این اساس، جنین از بیست روزگی تا چهل روزگی و از چهل روزگی تا شصت روزگی و از شصت روزگی تا هشتاد روزگی و از هشتاد روزگی تا صد روزگی و از صد روزگی تا صد و بیست روزگی، به ازای هر روز که بر عمر او افزوده می‌شود یک دینار به دیه او اضافه می‌گردد.

بر پایه آنچه گذشت شاید بتوان به یک معیار روشن و شفاف در دیه جنین دست یافت و آن اینکه جنین به ازاء هر روز حیات خود بعد از لقاح تا ۱۱۹ روزگی، یک دینار بر دیه آن افزوده می‌شود. پس دیه جنین یک روزه، یک دینار، دیه جنین ده روزه، ده دینار، دیه جنین پنجاه روزه، پنجاه دینار و دیه جنین ۱۱۹ روزه ۱۱۹ دینار خواهد بود و دیه جنین صد و بیست روزه به علت ولوج روح، هزار دینار است.

شاید علت اینکه در روایات به این شیوه روشن تصریح نشده این باشد که غالباً عمر جنین از زمان لقاح روشن نیست یا اگر برای مادر روشن باشد قابل اثبات نیست. از این رو، آنچه در زمان گذشته در دادگاه قابل اثبات بوده وضعیت ظاهری جنین سقط شده بوده که عبارت است از ذره‌ای کوچک، یا لخته‌ای خون یا قطعه‌ای به مانند گوشت جویده شده و غیره. از این رو، اهل بیت علیهم السلام در برخی روایات، موضوع برای مقادیر دیه را حالات ظاهری جنین سقط شده قرار داده‌اند و در روایاتی دیگر، متذکر شده‌اند که این حالات ظاهری، دارای معیار زمانی روشنی هستند.

۱. ابن ادريس، ابوجعفر محمد بن منصور بن احمد حلی (م ۵۹۸ ق)، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسين حوزه علمیه قم، دوم، ۱۴۱۰ ق.
۲. ابن برّاج، القاضی عبدالعزیز طرابلسی (م ۴۸۱ ق)، المهذب، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسين حوزه علمیه قم، اول، ۱۴۰۶ ق.
۳. ابن فارس ابی الحسین احمد (م ۳۹۵ ق)، معجم مقاییس اللغة، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، مرکز النشر مکتب الاعلام الإسلامی، اول، ۱۴۰۴ ق.
۴. ابن فهد، احمد بن محمد الحلّی (م ۸۴۱ ق)، المهذب البارع فی شرح المختصر النافع، مؤسسه النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة، اول، قم، ۱۴۰۷ ق.
۵. اردبیلی، احمد بن محمد (م ۹۹۳ ق)، مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان، تحقیق آقا مجتبی عراقی، علی پناه اشتهاارد و آقا حسین یزدی اصفهانی، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسين حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۴۰۳ - ۱۴۱۶ ق.
۶. اسکندرلو، محمد جواد؛ علی زیدی، سید بهادر، بررسی اعجاز علمی قرآن در مراحل خلقت و تکوین جنین انسان، علوم قرآن و حدیث، بهار و تابستان ۱۳۹۵ - شماره ۱۸.
۷. اشعری، احمد بن محمد بن عیسی، النوادر، مدرسه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، قم، اول، ۱۴۰۸ ق.
۸. آل رسول، سوسن؛ طاهری زاده، مریم، بررسی تطبیقی آیات مربوط به علقه با علم جنین شناسی، مطالعات قرآنی، زمستان ۱۳۸۹.
۹. امامی، مسعود، زمان دمیدن روح در جنین، فقه کاوشی نو در فقه اسلامی، شماره ۴۹، پاییز ۱۳۸۵.

۱۰. انصاری، مرتضی (م ۱۲۸۱ ق)، کتاب الطهارة، المؤتمر العالمی بمناسبة الذكرى المئوية الثانية لميلاد الشيخ الأنصاری، اول، ۱۴۱۵ق.
۱۱. انصاری، قدرت الله، موسوعة أحكام الأطفال و أدلتها، مركز فقه ائمة اطهار عليهم السلام، قم، اول ۱۴۲۹ق.
۱۲. انواری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، نشر سخن، تهران، اول، ۱۳۸۱ش.
۱۳. البانی، محمد ناصر الدین، إرواء الغلیل فی تخریج أحادیث منار السبیل، بإشراف زهیر الشاویش، المكتب الاسلامی، بیروت، دوم، ۱۴۰۵ ق.
۱۴. بحرانی، یوسف بن احمد (م ۱۱۸۶ ق)، الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسين قم، اول، ۱۴۰۵ق.
۱۵. بخاری، محمد بن اسماعیل (م ۲۵۶ ق)، صحیح البخاری، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۰۱ق.
۱۶. برقی، احمد محمد بن خالد (م ۲۷۴ ق)، المحاسن، تحقیق: سید جلال الدین حسینی، دارالکتب الاسلامیة، تهران، دوم، ۱۳۷۱ق.
۱۷. تبریزی، جواد بن علی، صراط النجاة، دار الصدیقة الشهيدة، قم، اول، ۱۴۲۷ق.
۱۸. تبریزی، میرزا جواد (م ۱۴۲۷ ق)، منهاج الصالحین، مجمع امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه)، قم، اول، ۱۴۲۶ق.
۱۹. تفتازانی، سعدالدین مسعود بن عمر بن عبدالله (م ۷۹۱ ق)، شرح المقاصد، دارالمعارف النعمانیة، پاکستان، اول، ۱۴۰۱ق.
۲۰. جمعی از نویسندگان، الموسوعة الفقهية الكويتية، ذات السلاسل، کویت، دوم، ۱۴۱۲ق.
۲۱. جهانیان، منیره؛ فرهودی، محمود، شناختی از مفهوم ثم انشأناه خلقاً آخر و ارتباط آن با مراحل رشد جنین از نظر پزشکی، اخلاق پزشکی، پاییز ۱۳۸۸.

۲۲. جوهری، اسماعیل بن حمّاد (م ۳۹۳ ق)، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیة، تحقیق احمد عبدالغفور عطار، دارالعلم للملایین، بیروت، چهارم، ۱۴۰۷ق.

۲۳. حر عاملی، محمد بن حسن (م ۱۱۰۴ ق)، وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، مؤسسه آل البيت علیهم السّلام لإحياء التراث، قم، دوم، ۱۴۱۴ق.

۲۴. حسنی، سعید، جنین شناسی فقهی: کاوشی در موضوع شناسی و احکام فقهی جنین بر اساس فقه جعفری و مبانی اجتهاد جواهری، جهاد دانشگاهی دانشگاه اراک، اراک، اول، ۱۳۹۶.

۲۵. حکیم، سید محسن طباطبائی (م ۱۳۹۰ ق)، منهاج الصالحین، دارالتعارف للمطبوعات، بیروت، ۱۳۹۶ق.

۲۶. حمیری، عبدالله بن جعفر (م نیمه دوم قرن ۳ ق)، قرب الإسناد، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، اول، ۱۴۱۳ق.

۲۷. خلیل، بن احمد فراهیدی (م ۱۷۵ ق)، کتاب العین، تحقیق مهدی مخزومی، ابراهیم سامرائی، مؤسسه دارالهجرة، قم، دوم، ۱۴۱۰ق.

۲۸. خمینی، سید روح الله موسوی (م ۱۴۰۹ ق)، تحریر الوسيلة، دارالکتب العلمیة، اسماعیلیان، قم، سوم، ۱۴۰۸ق.

۲۹. خوانساری، سید احمد (م ۱۴۰۵ ق)، جامع المدارک فی شرح مختصر النافع، مکتبه الصدوق، دوم، تهران، ۱۴۰۵ق.

۳۰. خویی، سید ابوالقاسم موسوی (م ۱۴۱۳ ق)، معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرواة، چاپخانه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، پنجم، ۱۴۱۳ق.

۳۱. خویی، سید ابوالقاسم الموسوی (م ۱۴۱۳ ق)، موسوعة الامام الخوئی، مؤسسه احياء آثار الامام الخوئی، قم، اول، ۱۴۱۸ق.

۳۲. خویی، سید ابوالقاسم موسوی (م ۱۴۱۳ ق)، منهاج الصالحین، نشر مدينه العلم آية الله خوئی، بیست و هشتم، ۱۴۱۰ق.

۳۳. دهخدا، علی اکبر (م ۱۳۳۴ ش)، لغت نامه، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ ۱۳۷۲ ش.
۳۴. راغب اصفهانی، ابوالقاسم الحسین بن محمد (م ۵۶۵ ق)، مفردات الفاظ القرآن، تحقیق صفوان عدنان داودی، دار العلم - الدار الشامیه، لبنان - سوریه، اول، ۱۴۱۲ ق.
۳۵. روحانی، سید محمدصادق حسینی، فقه الصادق، مؤسسه دارالکتاب، قم، سوم، ۱۴۱۲ ق.
۳۶. زبیدی، محمد مرتضی (م ۱۲۰۵ ق)، تاج العروس من جواهر القاموس، تحقیق علی الشیری، دارالفکر للطباعة و النشر، بیروت، اول، ۱۴۱۴ ق.
۳۷. سبزواری، سید عبدالاعلی موسوی (م ۱۴۱۴ ق)، مهذب الأحكام فی بیان الحلال و الحرام، مؤسسه المنار، قم، چهارم، ۱۴۱۳ ق.
۳۸. سبزواری، هادی (م ۱۳۰۰ ق)، شرح الاسماء الحسنی، منشورات مکتبه بصیرتی، قم (چاپ سنگی).
۳۹. سدler، تامس، جنین شناس پزشکی لانگمن (۲۰۰۶)، ترجمه دکتر فرید ابوالحسنی، دکتر غلامرضا
۴۰. حسن زاده و دکتر امید گوران اوریمی، انتشارات ارجمند، تهران، سوم، ۱۳۸۶.
۴۱. سیستانی، سید علی حسینی، منهاج الصالحین، مکتب آیت الله سیستانی، قم، پنجم، ۱۴۱۷ ق.
۴۲. شربینی الخطیب، محمد (م ۹۷۷ ق)، مغنی المحتاج، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۳۷۷ ق.
۴۳. شهید اول، محمد بن جمال الدین مکی العاملی (م ۷۸۶ ق)، ذکر الشیعه فی أحكام الشریعه، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم، اول، ۱۴۱۹ ق.
۴۴. شهید اول، محمد بن جمال الدین مکی العاملی (م ۷۸۶ ق)، غایه المراد فی شرح نکت الارشاد، دفتر تبلیغات اسلامی، اول، قم، ۱۳۷۹ ش.

۴۵. شهید ثانی، زین الدین بن علی جبعی عاملی (م ۹۶۶ ق)، مسالك الأفهام الى تنقيح شرائع الإسلام، مؤسسه المعارف الإسلامیة، قم، اول، ۱۴۱۳ ق.
۴۶. شهید ثانی، زین الدین بن علی جبعی عاملی (م ۹۶۶ ق)، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، بتحقیق و تعلیق سید محمد کلانتر، انتشارات داوری، قم، اول، ۱۴۱۰ ق.
۴۷. صافی گلپایگانی، لطف الله، هداية العباد، دارالقرآن الکریم، اول، ۱۴۱۶ ق.
۴۸. صالحی شامی، محمد بن یوسف (م ۹۴۲ م)، سبل الهدی و الرشاد فی سيرة خير العباد، تحقیق و تعلیق عادل أحمد عبد الموجود و علی محمد معوض، دار الكتب العلمیة بیروت، اول، ۱۴۱۴ ق.
۴۹. صدر المتألهین، صدر الدین محمد شیرازی (م ۱۰۵۰ ق)، الحکمة المتعالیة فی الأسفار العقلیة الأربعة، دار احیاء التراث العربی، بیروت، سوم، ۱۹۸۱ م.
۵۰. صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی (م ۳۸۱ ق)، من لا یحضره الفقیه، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ایران، دوم، ۱۴۱۳ ق.
۵۱. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، المقنع، مؤسسه امام هادی علیه السلام، قم، اول، ۱۴۱۵ ق.
۵۲. طباطبایی، سید علی بن محمد، ریاض المسائل فی تحقیق الأحکام بالدلائل، حائری، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم، اول، ۱۴۱۸ ق.
۵۳. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن (م ۴۶۰ ق)، المبسوط فی فقه الإمامیة، المكتبة المرتضویة لإحياء الآثار الجعفریة، تهران، سوم، ۱۳۸۷ ق.
۵۴. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن (م ۴۶۰ ق)، تهذیب الاحکام، دارالکتب الاسلامیة، تهران، چهارم، ۱۴۰۷ ق.
۵۵. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن (م ۴۶۰ ق)، النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی، دار الكتاب العربی، بیروت، دوم، ۱۴۰۰ ق.

۵۶. طوسی، ابوجعفر، محمد بن حسن (م ۴۶۰ ق)، الإستبصار فیما اختلف من الاخبار، دارالکتب الاسلامیة، تهران، اول، ۱۳۹۰ ق.
۵۷. عاملی، سید محمدجواد حسینی (م ۱۲۲۶ ق)، مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامة، (طبع قدیم)، تحقیق محمدباقر الحسینی الشهیدی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.
۵۸. علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر (م ۷۲۶ ق)، قواعد الأحكام فی معرفة الحلال و الحرام، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، اول، ۱۴۱۳ ق.
۵۹. علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (م ۷۲۶ ق)، إرشاد الأذهان الی احکام الإیمان، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، اول، ۱۴۱۰ ق.
۶۰. علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (م ۷۲۶ ق)، تحریر الأحکام الشرعیة علی مذهب الإمامیة، مؤسسه امام صادق علیه السلام، قم، اول، ۱۴۲۰ ق.
۶۱. علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (م ۷۲۶ ق)، مختلف الشیعة فی أحکام الشریعة، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، اول، ۱۴۱۲ ق.
۶۲. فاضل لنکرانی، محمد، احکام پزشکان و بیماران، قم، بی تا.
۶۳. فاضل هندی، بهاء الدین محمد بن حسن اصفهانی (م ۱۱۳۷ ق)، کشف اللثام عن قواعد الأحکام، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، اول، ۱۴۱۶ ق.
۶۴. فقه الرضا، المنسوب للإمام الرضا علیه السلام، المؤتمر العالمی للإمام الرضا علیه السلام، مشهد، اول، ۱۴۰۶ ق.
۶۵. فیاض کابلی، محمد اسحاق، رساله توضیح المسائل، انتشارات مجلسی، قم، اول، ۱۴۲۶ ق.
۶۶. فیاض کابلی، محمد اسحاق، منهاج الصالحین، بی جا، بی تا.

۶۷. فیومی، احمد بن محمد بن علی مقری (م ۷۷۰ ق)، المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير، نشر دارالهجرة، قم، اول، ۱۴۰۵ ق.

۶۸. قطیفی، آل طوق، احمد بن صالح، رسائل آل طوق القطیفی، دار المصطفی لإحياء التراث، بیروت، اول، ۱۴۲۲ ق.

۶۹. قمی، علی بن ابراهیم (م ۳۲۹ ق)، تفسیر القمی، تحقیق سید طیب موسوی جزائری، مؤسسه دار الکتب للطباعة و النشر، قم، سوم، ۱۴۰۴ ق.

۷۰. قیسری رومی، محمد داوود، شرح فصوص الحکم، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، اول، ۱۳۷۵ ش.

۷۱. کرکی، علی بن الحسین (م ۹۴۰ ق)، جامع المقاصد فی شرح القواعد، مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث، اول، قم، ۱۴۰۸ ق.

۷۲. کلینی، أبوجعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق (م ۳۲۹ ق)، الکافی، تحقیق علی اکبر غفاری، دارالکتب الإسلامیة، سوم، ۱۳۴۸ ش.

۷۳. کامکار، زهره؛ رضوی، شهناز؛ امین ناجی، محمد هادی، مقایسه مراحل تکامل جنین انسان از دیدگاه قرآن حدیث و علم جنین شناسی، پژوهش های علم و دین، پاییز و زمستان ۱۳۸۹.

۷۴. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم السلام، مؤسسه الطبع و النشر، بیروت، اول، ۱۴۱۰ ق.

۷۵. مجلسی، محمد تقی (م ۱۰۷۰ هـ ق)، روضه المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه، مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور، قم، دوم، ۱۴۰۶ ق.

۷۶. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (م ۱۱۱۰ ق)، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، تحقیق سید هاشم رسولی، دارالکتب الإسلامیة، تهران، دوم، ۱۴۰۴ ق.

۷۷. محسنی قندهاری، محمد آصف، الفقه و مسائل طبیة، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، قم، اول، ۱۴۲۴ ق.

۷۸. محقق حلی، نجم الدین، جعفر بن الحسن (م ۶۷۶ ق)، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام، تحقیق عبدحسین محمدعلی بقال، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، قم، دوم، ۱۴۰۸ ق.

۷۹. مرتضی، علی بن حسین موسوی، الانتصار فی انفرادات الإمامیه، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، اول، ۱۴۱۵ ق.

۸۰. مسلم، بن الحجاج ابن مسلم القشیری النیشابوری (م ۲۶۱ ق)، الصحيح، الجامع الصحيح، دارالفکر، بیروت، بی تا.

۸۱. معین، محمد (م ۱۳۵۰ ش)، فرهنگ فارسی معین، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۶ ش.

۸۲. مغربی، نعمان بن محمد تمیمی (۳۶۳ هـ ق)، دعائم الإسلام، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم، دوم، ۱۳۸۵ ق.

۸۳. مفید، محمد بن محمد بن نعمان عکبری بغدادی (م ۴۱۳ ق)، الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، کنگره شیخ مفید، قم، اول، ۱۴۱۳ ق.

۸۴. مفید، محمد بن محمد بن نعمان عکبری بغدادی، (م ۴۱۳ ق)، المقنعه، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دوم، ۱۴۱۰ ق.

۸۵. مفید، محمد بن محمد بن نعمان عکبری، الإعلام بما اتفقت علیه الإمامیه من الأحکام، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، قم، اول، ۱۴۱۳ ق.

۸۶. مکارم شیرازی، ناصر، احکام پزشکی، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم، اول، ۱۴۲۹ ق.

۸۷. مکارم شیرازی، ناصر، بحوث فقهیه هامه، مدرسه الإمام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم، اول، ۱۴۲۲ ق.

۸۸. منتظری، حسین علی، احکام پزشکی، نشر سایه، قم، سوم، ۱۴۲۷ ق.